

گفتگو در جمع کارگران حفاری

سه شنبه نوزدهم آذر ۱۳۸۷

جمعی از فعالین کارگری



یک توضیح: انتشار بخش اول گفت و گو با کارگران حفاری با استقبال مخاطبان وبلاگ روبرو شد. بار دیگر با تشکر از دوست یا دوستان تهیه کننده این مطلب، لازمست یکی دو نکته را در مورد مقدمه ای که خود بر آن گفت و گو نوشته بودیم توضیح دهیم. برخی دوستان در تماس با وبلاگ مطرح کردند که در دوران انقلاب ۵۷ و فعالیت شورای کارگران حفاری، طرح استفاده از کانتینرها (یا در واقع کاروان ها) مربوط به محل اقامت کسانی بود که از نقاط دیگر برای کار می آمدند و برای روزهای آخر هفته

جایی نداشتند. در آن مقدمه، ما به اشتباه، استفاده از کانتینرها به عنوان ناهار خوری را مطرح کرده بودیم. نکته دیگر در مورد جان باختن چند نفر از اعضای شورای کارگران حفاری در سوانح کاری در همان دوران فعالیت شورا است. یکی از دوستان این سوانح کاری را مشکوک دانسته و آن را جزئی از سیاست سرکوب دولتی برای ضربه زدن به شورا معرفی کرده است.

«جمعی از فعالین کارگری»



: مسائل و مشکلات روز کارگران بخش طرح اقماری چیست؟

روشن: علی، کارگرسکو است. بهتر است این سوال را او جواب بدهد.
علی: من هم مثل بقیه دوستان به شما خوشامد می گویم و امیدوارم در این چند روز به شما سخت نگذشته باشد. مشکلات کم نیست! من هر چه به نظرم می رسد را می گویم.

اول از همه، دوری از خانواده. این را همه کارگرهایی که شرایط شان مثل ماست، خوب حس می کنند. این جای خالی را با هیچ چیز نمی شود پر کرد.

دوم، نبود امکانات ایمنی. در این کار، وسایل ایمنی باید بر حسب نیاز در دسترس باشد. مهمترینش، دستکش است. چون ما هر روز با آب و گریس و روغن و غیره تماس داریم. اصلاً باید در اردوگاه، یک انبار وسایل ایمنی داشته باشیم، نه اینکه هر چند ماه از اداره بیاورند و تحویل بدهند. کارگرها همیشه به واسطه نوع کار یا محل کار در معرض خطر جدی قرار دارند. وقتی که اطراف دستگاه حفاری هستی باید حواست شش دانگ جمع باشد. خیلی کارها را باید برای پیشگیری از خطرو صدمه دیدن انجام داد. اهمیت این پیشگیری ها کمتر از لباس و تجهیزات ایمنی نیست. بیشتر خطرات و آسیب ها متوجه دست و پا است. انگشتان را باید از سرراه آچارها و زنجیرها و.... دور نگهداشت. در اینجا ما کمبود دستکش مناسب داریم. کمبود کفش کار (کفش پنجه آهنین) و بیلسوت (لباس یک تکه) داریم.

این را هم بگویم که استفاده نادرست از قرقره زنجیر بیشتر از هر چیز دیگری باعث آسیب دیدگی می شود: درست موقع بلند کردن اجسام سنگین، ابزار، تلمبه، گریس و سایر وسایلی که به بالای دکل برده می شود. آسیب دیدگی کمر در اثر سختی کار و ایستادن مداوم هم هست. کارکنان روی سکوی هر دستگاه حفاری باید عینک ایمنی داشته باشند. چون چشم، مخصوصاً موقع کارکردن با مواد

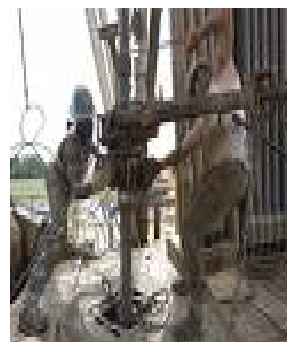


شیمیایی و بهسازی گل با مواد شیمیایی، در معرض خطر قرار دارد. در اینجا ما آتش خاموش کن های بزرگ نداریم. حتی یک منبع بزرگ آب برای شستن چشمها و پاک کردن بدن از مواد شیمیایی هم نداریم.

دیگر چه مشکلاتی دارید؟



علی: صبر کنید! آچار لوله ها را هم بگویم. آچار لوله ها بسیار خطرناکند. افراد گروه بایستی کابل های ایمنی را بازرسی کنند و موقعی که آچارها تحت کشش زیادند اطراف آن نایستند.



یک خطر دیگر، لغزنده بودن سکو است. چون گل حفاری لغزنده است و این باعث بروز حوادث کار می شود، بالا و پایین رفتن از پلکانی که نرده هایش خراب است بدتر از

پلکانی است که نرده ندارد! الان در دستگاه های حفاری مدرن دنیا، تجهیزاتی را برای جلوگیری از حوادث و آتش سوزی طراحی کرده اند. در گذرگاه ها و پلکان ها، برای جلوگیری از سقوط، نرده نصب کرده اند. برای تمام قسمتهای متحرک (منظورم تسمه و زنجیرهاست) و برای وسایل تخلیه فشار روی خطوط و پمپ های گل، حفاظ گذاشته اند.

حمید: یک چیز را نگفتی! اینجا مسابقه حفر چاه می گذارند. ظاهراً برای تشویق کارکنان به بهتر و سریعتر کار کردن است. اما نتیجه اش عوض کردن بی رویه ریتم کار و بر هم زدن دقت و تمرکز کارکنان است. هر کاری وقت و حوصله خاصی می خواهد. همین مسابقه حفر چاه، یکی از دلایل بالا بودن ضریب سوانح است.



علی: درست است. و البته این نوع مسابقه بعد از جنگ و برای دوره ای خاص بود (در حال حاضر نیاز به این نوع مسابقه ندارند)، که رژیم برای آنکه بتواند در اوپک حرفی داشته باشد باید تولید خود را بالا میبرد، و این داستان خودش را دارد. اگر باز هم بخواهم از مشکلاتمان بگویم باید بگویم که کار طاقت فرسا و سنگینی داریم. حالا این را بگذار در کنار تغذیه نامناسب و غیر استاندارد. بگذار در کنار نبود امکانات فرهنگی و ورزشی.

حمید: ببین. بگذار در این مورد کمی توضیح بدهم. در صورت حساب حقوق ما ۲ تا پارامتر است تحت عنوان «محرومیت از تسهیلات زندگی» و «شرایط محیط کار فوق العاده کارگر». به نظر شما اینها چه مفهومی می تواند

داشته باشد؟ کارگرهای حفاری ۱۵ شبانه روز کار مداوم می کنند؛ بدون ارتباط با خانواده و دوستان؛ در بی خبری کامل از مسائل اجتماعی روز. آیا به نظر شما با پولی که بابت این دو پارامتر می دهند می شود مسائل و کمبودهای روحی کارگرها را بر طرف کرد؟ شما فکر می کنید چرا آمار مصرف مواد مخدر در اردوگاه ها بالا است؟ خب وقتی که من بالای دکل در سرمای ۲۰ درجه زیر صفر و در گرمای ۵۰ درجه بالای صفر کار می کنم، و زمان استراحتم را باید در بیابان بدون امکانات رفاهی، بدون کتابخانه و امکانات ورزشی و غیره بگذرانم، چه چیزی جایگزین اینها می شود؟ می دانم که در این شرایط و با این نظام، این حرفم ممکنست شوخی به نظر بیاید یا خواب و خیال باشد، ولی چرا نباید کسانی که در چنین اردوگاه هایی کار می کنند، در مورد مسائل اجتماعی و کاری، مشاور یا روانپزشک داشته باشند؟

خودت قبلا جواب خودت را دادی! خواب دیدی خیر باشد!....

از نیازهای فرهنگی و روحی کارگرها صحبت شد؛ می خواستم ببینم میزان استفاده از ماهواره در میان کارگران چقدر است؟

روشن: من آمار دقیقی از کل کارگرهای حفاری در این زمینه ندارم. اما در سطح دوستان و آشنایان و دیگران که ارتباط دارم می توانم بگویم که عموماً آنهایی که ماهواره دارند کانال های لس آنجلسی را بیشتر نگاه می کنند. البته درصد زیادی از تماشا کردن



به ماهواره برای سرگرمی است. یک بخش کوچکی هم هستند مثل رفقای خودمان که کانال های چپی و سیاسی مثل کومله، کانال جدید، کانال ۶ و را نگاه می کنند. البته رفته رفته این کانال ها هم برایشان عادی و روزمره شده است. خیلی وقت ها می بینم که اینها هم همراه با خانواده برای تفریح می نشینند و سریال های مزخرف تلویزیون را نگاه می کنند. البته ناگفته نماند که «صدای آمریکا» را هم خیلی ها تماشا می کنند.

یک موضوع دیگر. آیا خبر دارید که شرکت های حفاری خارجی در ایران چکار می کنند؟ آیا واقعا تکنولوژی پیشرفته را انحصاری نگه می دارند و انتقال نمی دهند؟

حمید: معلوم است که نه! این را بدون تعصب می گویم و شعار نمی دهم. شرکت هایی که برای حفر چاه به کشور دعوت شدند، نه تنها دکل و تکنولوژی خاصی را وارد نکردند، بلکه با دکل های خودمان به انجام عملیات حفاری



پرداختند و از نیروی انسانی ما استفاده کردند. فکر نکنید این را فقط در مورد ایران می گویم. در کشورهای همسایه هم همین است. تمام این کشورها از طرف کشورهای صاحب تکنولوژی هستند، کنترل می شوند. فن آوری صنعت حفاری را به شکل محدود در اختیارشان قرار داده اند. البته در بعضی

کشورها، خودشان پیشرفت های تکنولوژیک داشته اند ولی مساله اینست که کشورهای پیشرفته، کل فن آوری حفاری را در اختیار آنها نمی گذارند. در حال حاضر، شرکت های حفاری معمولاً دکل ها را از چین می خرند. در حالی که دکل های چینی فقط هزار اسب بخار توان دارند. این دکل ها در اعماق کم (shallow) و گاهی تنها تا کلاهک

گازی gas cap برخی مخازن نفتی قادر به حفاری هستند و در اعماق بیشتر کارآیی ندارند. اما الان در ایران نیاز به دکل‌هایی است که بتوانند در لایه گورپی حفاری کنند. یعنی جایی که خیلی فشار بالا است: ۱۵ هزار PSI فشار و میزان عظیمی نفت دارد. الان در میدین نفتی ایران از دو لایه تولید می‌شود: لایه آسماری و لایه بنگستان. به دلیل نبود دکل و تکنولوژی مورد نیاز آن در کشور در حال حاضر حفاری در این لایه امکان پذیر نیست. فقط يك دکل از این نوع در کشور وجود دارد، خوب، وابستگی یعنی همین! اگر به میزان فعالیت و توجه شرکت های آمریکایی به بخش نفت، حفاری و صنایع و تکنولوژی مربوط به آن نگاه کنی میتوانی این فاصله و شکاف را بیشتر بفهمی.



اصلا شرکت های خارجی چقدر در نفت و گاز ایران نقش دارند؟ بیشتر از کدام کشورند؟

روشن: دولت قراردادهایی زیادی برای حفاری و اکتشاف نفت با خارجی ها بسته است. ۱۳ تا شرکت خارجی شاید هم بیشتر هستند که اکثرشان اروپاییند. ایتالیایی ها هستند. اتریشی ها و نروژی ها را هم خبر دارم. او. ام. وی اتریش سه چهار سال است که در حوزه نفتی مهر اکتشاف می کند. اتریشی ها با ادسون گاز که باید ایتالیایی باشد یک قرارداد بالای ۸۰ میلیون دلار برای حفاری چاه نفت در گچساران و شمال اهواز دارند. حفاری چاه نفت در حوزه منیر هم به عهده همین شرکت ادسون است. آلمانی ها اطراف سمیرم و درودزن (منطقه زاگرس) حفاری می کنند و ساگای نروژ هم در اناران (مرز عراق).

با این حساب اروپایی ها باید خیلی هوای این رژیم را داشته باشند.

روشن: آره. منافع حیاتی دارند. اینها هم که خوب دارند بهشان می رسند. شرکت نفتی «انی» ایتالیا خیلی مشهور است. اینها از هفت هشت سال پیش یک قرارداد يك میلیارد دلاری برای توسعه میدان نفتی دارخوین امضاء کردند. می گویند این میدان سه تا پنج میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد. شرکت فرانسوی «توتال» فرانسه هم برای توسعه میدان های نفت و گاز سیری قرارداد بست که البته بعد از دعوای سیاسی اخیر نمی دانم کارشان به کجا کشید. واقعا خوب که نگاه کنی می بینی که شیشه عمر اقتصاد و منابع این مملکت دست همین هاست. میدان نفتی و گازی «دورود» چیز کمی نیست؛ همه اش دست اینهاست. ایتالیایی ها و فرانسوی ها. «الف» و «انی». میدان نفتی بلال را هم فرانسوی ها و کانادایی ها به دست گرفته اند. خلاصه نفت و گاز و پتروشیمی ایران فقط اسمش مال ایران است، ولی در واقعیت دست کشورهای اصلی اروپا و حتی رومانی است. تا یادم نرفته بگویم که شرکت های انگلیسی هم هستند.

به اندازه کافی از سرمایه دارها حرف زدیم! برگردیم به وضعیت خودمان.

علی: درست است.

اگر ممکنست یکی از شما در مورد سطح سواد کارگران حفاری صحبت کند.

حمید: در بخش اقماری، (پرسنل رسمی را می گویم) در حال حاضر سطح سواد تقریبا بالا است. سر چاه تقریبا، دیپلم

و دیپلم به بالا هستند. ولی کارگرهای محلی معمولاً بیسواد و کم سوادند. بیشتر پرسنل رسمی، نیروهای جدید و جوان با سواد هستند که البته حقوقشان به نسبت کم است. این بر می گردد به تغییرات حساب شده ای است که در زمینه استخدام داده اند.

لطفاً توضیح بده:

حمید: اینها دو تا کار کردند. اولین کارشان این بود که خودشان را از شر «کارگر رسمی» خلاص کردند. چندین سال پیش آمدند و به کارگران رسمی گفتند که می خواهیم شما را به جای کارگر، کارمند یا کارکن شرکت ملی حفاری کنیم و حقوقتان را زیاد کنیم. اکثراً گول همین اضافه کردن قلابی دستمزدها را خوردند و ورقه های جدید استخدامی را امضاء کردند. غافل از اینکه، خارج شدن از ردیف کارگر رسمی این اجازه را به شرکت می داد که هر وقت خواست آنها را گرفتار بازنشستگی پیش از موعد اجباری و بازخرید (یا در واقع بیکاری اجباری) بکند. با این کار، شرکت توانست خودش را از شر حق و حقوقی که کارگر رسمی در قانون استخدام دولتی داشت خلاص کند.

ولی ما که در شرکت ملی حفاری، بیکارسازی گسترده ندیدیم.



حمید: درست است.

ولی تدریجاً نیروی کار جا افتاده ی قبلی را با حداقل هزینه های پرداختی، کنار زده اند و نیروی جدید و جوان را جایگزین کرده اند. البته درمورد کارگران ماهرو متخصص به این

سادگی ها نیست. چون تجربه اینها را هیچکس ندارد و یک شبه به دست نیامده است. به همین خاطر، این کارگرها یا کارکنان کلیدی رانگه داشته اند.

گفتی که دو کار کردند. کار دومشان چه بود؟

حمید: همین استخدام جوان ها. ولی از همان اول به عنوان پیمانی. بدون حق و حقوق رسمی. با دستمزد کم نسبت به سطح تحصیلات. اینطوری هم از انرژی و مهارت و توانایی یادگیری سریع جوان ها استفاده می کنند و هم میزان بهره کشی را بالا می برند و از هزینه ها کم می کنند.

بزرگترین و کوچکترین واحدهای حفاری (از نظر تعداد و تجمع کارگران) چه اندازه است؟ چه تعداد معمولاً در

کنار هم کار می کنند؟ مثلاً اگر اعتراض یا اعتصابی شود، چند نفر را می تواند در گیر کند؟

روشن: به نظرم بزرگترین واحد، عملیات حفاری (طرح اقماری) است و کوچکترین بخش اداره پست است که تعداد کارکنانش ۳ تا ۴ نفر است. از نظر تعداد و تجمع، کارگران در یک اردوگاه حدوداً ۶۰ نفرند که معمولاً ۱۵ روز در یک جا با هم کار می کنند. اگر قرار بر اعتراض یا اعتصاب باشد، تاثیر فوق العاده ای دارد.

چرا؟

روشن: به خاطر حساسیت و اهمیت حفاری و تاثیرش روی بقیه بخش های نفت و گاز. البته اعتصاب راه انداختن در حفاری و به طور کلی در صنایع نفت و گاز خیلی کار دارد! اینها از وقتی سر کار آمده اند همه جوره برای پیشگیری و سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری برنامه ریزی کرده اند. هم سیستم حراست و کنترل و شناسایی شان جدی و حرفه ای عمل می کند و هم سیاست تطمیع و رشوه دهی و امتیاز دادن به بخشی از کارگرها و کارمندا را پیاده می کنند.

قبول دارم. ولی این را قبول دارید که جلوی مبارزه طبقاتی را نمی شود گرفت؟

حمید: قبول. ولی بحث زیاد است. باید یک وقتی بگذاریم و مفصل بحث کنیم....

ضمیمه ۱

واقعاتی در مورد وابستگی اقتصاد ایران

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس، بهمن ماه سال ۱۳۸۶ وزارت نفت ایران با برگزاری همایشی در هلند از ۹۰ شرکت خارجی برای اکتشاف در ۱۶ بلوک نفتی ایران دعوت کرد که هزینه اکتشاف این بلوکها ۳۰۰ میلیون دلار و مدت اجرای آن ۲۵ سال برآورد شد.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا هم پیشتر با اعلام این که از سال ۱۹۹۶ تاکنون ۳۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران جذب شده است، افزود: اتحادیه اروپا که مخالف تحریم اقتصادی علیه ایران بوده است، در تاریخ ۲۲ نوامبر سال ۱۹۹۶ قطعنامه ۲۲۷۱ را مبنی بر عدم پیروی شرکتهای اروپایی از قانون ایلسا (قانون تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران و لیبی) تصویب کرد. شرکت نفتی ای ان (E.ON) آلمان نیز اعلام کرد که قصد دارد به عنوان نخستین شرکت آلمانی در بازار انرژی ایران سرمایه گذاری نماید. روزنامه «هندلز بلات» نوشت: مقام های عالی رتبه این شرکت آلمانی پیش از این طی سفری به ایران، با مقامهای ایرانی مذاکرات بسیار مهمی را در این خصوص انجام داده اند و وارد شدن شرکت «ای ان» آلمان در بازار انرژی ایران، وابستگی این شرکت را به منابع گازی و نفتی روسیه تا حد بسیار زیادی کاهش خواهد داد.

سفیر انگلیس در تهران با بیان این که شرکت نفتی BP انگلیس قصد ندارد به صورت کوتاه مدت در ایران سرمایه گذاری کند، گفت: این شرکت علاقه مند به سرمایه گذاری بلند مدت در ایران است. ریچارد دالتون در مورد همکاری شرکتهای نفتی انگلیسی با شرکتهای ایرانی و آینده حضور آنها در پروژه های نفتی ایران اظهار داشت: در حال حاضر شرکتهای نفتی انگلیسی از جمله BG (بریتیش گاز) و «شل» در ایران فعال هستند. او اضافه کرد: شرکت نفتی BP در تولید روغن موتور با شرکتهای ایرانی همکاری دارد و از بزرگترین خریداران نفت ایران در دنیا به شمار می رود، ضمن این که در بخش صنعت پتروشیمی و فروش لیسانس به شرکتهای ایرانی فعال است.

ضمیمه ۲

برای اطلاعات عمومی

تاریخچه اکتشاف نفت در ایران

تاریخچه اکتشاف نفت در ایران با واگذاری امتیازات در اواخر دوره قاجاریه همراه است که ورود به آن از اهداف این مقدمه خارج است مادر هر صورت اقدامات عملی اکتشاف نفت از سال ۱۲۸۰ با عقد قرارداد "دارسی" آغاز و در خرداد ۱۲۸۷ با کشف میدان نفتی مسجد سلیمان وارد مرحله عملی گردید. بابرز جنگ جهانی اول رکورد اکتشاف فراگیر شد و تا سال ۱۳۰۷ که آغاز بحران اقتصادی جهانی بود جمعاً میدان نفتی



دیگر یعنی هفتگل و نفت شهر کشف گردید.

از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۲ مناقشات ایران و شرکت نفت بریتانیا رکودی دیگر بر روند اکتشاف وارد کرد ولی با تمام این احوال تا سال ۱۳۱۷ میدانهای بزرگی همچون نفت سفید، آعاجاری، پازنان و گچساران کشف شد. از سال ۱۳۱۸ تا سال ۱۳۲۷ بعثت وقوع جنگ جهانی دوم تنها میدان "لالی" کشف شد. کشف این میدان در سال ۱۳۲۷ اولین اکتشاف مخزن "بنگستان" بشمار می آید. از اسفند ماه ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳ تاریخ انعقاد قرارداد کنسرسیوم رکودی کامل بر اکتشاف حکم فرما بود. از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۳۷ که فعالیت اکتشافی شرکت های عامل نفت آغاز شد منجر به کشف میدان اهواز (آسماری و بنگستان) و مخزن بنگستان میدان آعاجاری گردید.

دهه 48-1338

این دهه یکی از مهمترین و پربارترین دهه های اکتشافات نفتی در جنوب غربی ایران و طی آن تعداد مخازن جدید کشف شده به ۳۳ میدان می رسید که در مجموع حدود ۴۶ درصد کل ذخایر در جای کشور در طی این دوره به اثبات رسیده است. در این دوره علاوه بر میدانهای کشف شد زاگرس، اولین میدان دریایی یعنی بهرگانسر در سال ۱۳۳۸ کشف گردید و متعاقب آن میدانهای دورود، سروش، سلمان، اسفندیار،



فروزان، نوروز، رشادت، پارس شمالی، هندیجان، و رسالت نیز کشف شد.

دهه ۱۳۴۸-۵۷

در این دهه که آخرین دهه قبل از انقلاب و سالهای پایانی استیلای شرکت های عامل نفت منابع ایران است، حجم فعالیت های اکتشافی به بالاترین مقدار خود می رسید و از تمامی امکانات به همراه فناوری روز استفاده گردید ولی در هر صورت مقدار نفت در جای کشف شده به يك پنجم دهه قبل تا ۱۲ هزار میلیون بشکه رسید. میدانهای کشف شده این دوره از نظر حجم ذخایر كوچك تا متوسط بحساب می آیند.

دهه ۱۳۵۷-۶۷

در این دهه اکتشاف با رکورد نسبی همراه بود که جنگ مهمترین عامل آن بوده است. در این دوره امکانات اکتشاف صرف امور تولید شد و میدانهای کشف شده مرتبط به فعالیتهایی است که قبل از انقلاب آغاز شده بود.

دهه ۱۳۶۷-۷۷

در دهه دوم بعد از انقلاب آهنگ فعالیت های اکتشافی بتدریج سرعت گرفت و امکانات بیشتری تخصیص داده می شد. با افزایش فعالیت ها مقدار نفت کشف شده در این دوره تقریباً دو برابر دوره قبل بود. از جمله مهمترین اکتشافات در این دهه، کشف میدان گازی پارس جنوبی است که جزو بزرگترین میادین گازی کشف شده در جهان می باشد.

جمعی از فعالین کارگری (jafk)

Kargaran_fa@yahoo.com

Jafk.blogfa.com

آذر ماه ۸۷